

جنسیت و توسعه اجتماعات محله ای در ایران با تاکید بر نیروهای پیش ران و بازدارنده، نمونه موردی: محله نعمت آباد تهران

دریافت مقاله: ۹۷/۲/۷ پذیرش نهایی: ۹۷/۷/۳

صفحات: ۱۹-۳۴

محمد اسکندری ثانی: استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران^۱.

Email: meskandarisani@birjand.ac.ir

چکیده

یکی از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، ضرورت مشارکت زنان در اداره امور شهر و محل زندگی شان است. از این رو پژوهش حاضر سعی نموده است چارچوبی نظری برای تحلیل رابطه بین برنامه ریزی توسعه اجتماعات محله ای و مشارکت زنان بر اساس سه مقوله نظری سرمایه اجتماعی، کنش جمعی و جنسیت در توسعه اجتماعات محلی را در سطح شهرها پی ریزی نماید. شیوه تحقیق توصیفی تحلیلی که با ابزار پرسشنامه محقق ساخته اقدام به جمع آوری اطلاعات در خصوص نقش زنان در اداره محله ای به عنوان کوچکترین واحد مدیریت شهری در ایران شده است. جامعه آماری زنان بالای ۱۸ سال محله نعمت آباد بوده که تعداد ۲۹ پرسشنامه به صورت تصادفی ساده تکمیل گشت. از مدل آماری توبیت نیز برای تحلیل آماری استفاده شده است. نتایج نشان می دهد میزان مشارکت زنان در محله مورد مطالعه در فعالیت های اجتماع محوری بسیار پایین تر از مردان محله و در حدود ۱۰ درصد است. در بین سه حوزه فعالیت های اجتماعات محلی یعنی اداره محله، رفاه و شبکه اجتماعی و مسایل محیطی مشارکت زنان در حوزه اداره محله بسیار ناچیز است. در بعد کمک های زنان به فعالیت های اجتماع محور به لحاظ زمانی، شاخص های ازدواج، وضعیت متوسط اقتصادی و شاغل بودن و در بعد کمک های مالی سواد، شاغل بودن بیشترین تاثیر گذاری را دارند. در مجموع می توان گفت که کمک و مشارکت زنان در حوزه اجتماعات محلی در حوزه زمان بسیار بیشتر از بعد مالی و پولی می باشد که عدم استقلال مالی زنان شاید مهمترین دلیل این کمبود مشارکت بوده است. همچنین شبکه اجتماعی، ازدواج، میزان سواد، اشتغال مهمترین عناصر تاثیرگذار بر افزایش مشارکت زنان در توسعه برنامه های توسعه اجتماع محور بوده است.

کلید واژگان: جنسیت، توسعه اجتماعات محله ای، نعمت آباد، مشارکت، کنش جمعی، سرمایه اجتماعی.

۱. نویسنده مسئول: خراسان جنوبی، بیرجند، دانشگاه بیرجند، گروه جغرافیا ۰۹۱۵۸۲۴۱۹۴۳

مقدمه

امروزه انواع مدل های توسعه ای با تاکید بر توسعه اجتماعات محلی در حوزه های مختلف اعم از اجتماعی و فرهنگی، عمران محلی، محیط زیست، اقتصاد محلی، جنسیتی، آسیب ها و همچنین در سطوح جغرافیایی متنوع شامل روستاها، محله های شهری و مانند آن شکل گرفته اند (سجادی و اسکندری، ۱۳۹۱: ۳). انعکاس این تغییرات در رویه برنامه ریزی، تاکید زیاد بر تجربیات مردم محلی و در اینجا زنان و دانش درونی شان است که در آن مردم محلی به عنوان بازیگران کلیدی در مفهوم سازی توسعه، شناسایی اولویت ها و کمک برای طراحی استراتژی های محلی نقش پیدا کرده و درک گسترده تری را از مشارکت واقعی و توسعه حاصل می نماید (راکودی و جونز، ۲۰۰۲) یکی از پیش فرض های اصلی در دیدگاه مزبور این است که گروههای به حاشیه رانده همانند فقرا، زنان، سالمندان و کودکان در سطح اجتماعات محلی دارای سختی ها، مشکلات و منافع مشترک هستند. این روش " مردم محور " نشان می دهد که نه تنها این گروهها به حاشیه رانده به تلاش های توسعه و برابری کمک می کنند بلکه هم ظرفیت و هم منابع لازم برای انجام این کار را دارا می- باشند (برد: ۲۰۰۷، ۶۰۸). نکته ای که باید مدنظر قرار داد این است که اگر پایداری محور توسعه جوامع تلقی شود چاره ای جز پذیرش و تسهیل کردن راههای مشارکت مردم در اداره امور نیست، زیرا که اجتماعات با توجه به سرمایه های طبیعی، اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و انسانی موجود در خود می توانند بهره برداری بهینه از این سرمایه ها را داشته باشند و مقدمات و بستر توسعه پایدار را در فضاهای متعلق به خویش فراهم نمایند (صرافی، ۱۳۹۲). در این بین مقوله ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته است چگونگی نقش و مشارکت زنان به عنوان نیمی از جامعه در توسعه اجتماعات محلی و فعالیت های اجتماع محور است. به عبارت دیگر بر مبنای توسعه پایدار و حکمروایی شایسته در سطح اجتماع محلی نمی توان سهم و مشارکت نیمی از شهروندان را نادیده گرفت. بنابراین هدف از پژوهش پاسخ گویی به چند سوال است که اول عوامل پیش ران بر مشارکت زنان در توسعه اجتماعات محلی چیست؟ عوامل بازدارنده چیست؟ چه تفاوتی بین مردان و زنان در ابعاد مختلف فعالیت های اجتماع محور یا محله ای وجود دارد؟ زنان در کدام حیطه ها و فعالیت ها مشارکت بیشتر و در کدام حیطه ها مشارکت کمتری دارند و چه متغیرهایی بر میزان مشارکت آنان موثر است؟ اهمیت تحقیق حاضر در این است که از یک سو به مساله مشارکت زنان در اداره امور شهر می پردازد و از سوی دیگر وجه تمایز آن با تحقیقاتی که مساله مشارکت زنان را در امور اجتماعی و اقتصادی و یا سیاسی می پردازند، این است که تاکید بر نقش زنان در مدیریت فضا یعنی اداره، اصلاح و مدیریت محیط بلافصل و مسکونی خود آن ها را باید در نظر گرفت.

1- Rakodi and Lloyd-Jones

2- Beard

چارچوب نظری

زنان و توسعه اجتماعات محله‌ای

در این پژوهش توسعه‌ی اجتماع محلی هم به مثابه‌ی نتیجه و هم به منزله‌ی فرایند تعریف می‌شود. توسعه اجتماعات محلی به مثابه یک فرایند و به عنوان ابزاری در ارتقای مشارکت و حکمروایی مردم سالارانه در زمینه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی به کار گرفته می‌شود. در کل، توسعه اجتماع محور را می‌توان به مثابه فرایندی محسوب کرد که به موجب آن گروه‌های اجتماع محلی قادر به کنترل تصمیمات و تخصیص منابع از بالا جهت توسعه محلی شوند (کمسیون توسعه اقتصادی اجتماعی برای غرب آسیا، ۲۰۰۴: ۲) چنین تعریفی در واقع توسعه‌ی اجتماع را فرایندی آموزشی می‌داند که شهروندان را قادر می‌سازد با تصمیم‌گیری گروهی به رتق و فتق مشکلات خود بپردازند. این دست از تعاریف «توسعه‌ی اجتماع محلی»، تعاریفی هستند که بر فرایند آموزش نحوه‌ی همکاری جهت حل مشکلات مشترک به مردم متمرکز می‌شوند. محققانی دیگر هستند که بیشتر از دریچه‌ی نتیجه به «توسعه‌ی اجتماع محلی» می‌نگرند: در نگاه این‌ها «توسعه‌ی اجتماع محلی» عبارت است از تصمیم‌گیری محلی و برنامه‌ی توسعه جهت دستیابی به اجتماعی بهتر برای کار و زندگی؛ یا منظور از «توسعه اجتماع محلی» نزد آنان این است که گروهی از افراد کنشی اجتماعی را برای تغییر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی خود انجام دهند (پیت من و فیلیپ، ۲۰۰۹: ۳) در این بین از محله به عنوان ظرف توسعه اجتماعات محلی یاد میشود که بعد فضایی توسعه در آن نمایان است. کنشگران این توسعه نیز متفاوت هستند که زنان نیمی از آن را تشکیل می‌دهند.

گرچه ریشه مشارکت زنان در امور محله بسیار است اما شکل نوین مشارکت زنان در برنامه ریزی شهری به کشور فرانسه برمی‌گردد جایی که در آن زنانی که خود شهرساز یا معمار بوده‌اند در این جهت برآمدند که تا با اشکال متفاوت محلی را که در آن زندگی می‌کنند طراحی کنند. در ایران با گسترش شهرنشینی نقش زنان به نظر می‌رسد که کم‌رنگتر از جامعه روستایی و عشایری قبلی می‌باشد بطوریکه ایجاد فضاهای مردانه در بیشتر شهرهای ایران در دوران پهلوی به شدت افزوده می‌شود. گرچه در دوران دوم پهلوی زنان در مشاغل اداری که مرتبط با اداره شهر از جمله شهرداری جذب شدند، ولی روند کلی ایجاد فضاهای نوین و مدیریت شهری به سمت مردانه‌گرایی تمایل پیدا نمود. در پس از انقلاب و با توجه به شرایط جنگ روند قبلی ادامه پیدا کرد و چهره و مدیریت شهری بیشتر مردانه شد. اما اتفاق خوشایند برگزاری انتخابات شورای اسلامی شهرها بود که راهی را برای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در امور شهری باز کرد. اما به نظر می‌رسد که هنوز ظرفیت‌های بسیاری برای مشارکت زنان در اداره و مدیریت شهر و محله وجود دارد. در ایران در خصوص نقش و مشارکت زنان در توسعه و مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی تحقیقات چندی صورت گرفته است. اما در خصوص مشارکت زنان در طرح‌های توسعه شهری ماجدی و همکاران در سال ۱۳۹۴ مقاله‌ای تحت عنوان شناسایی شاخصهای مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه شهری انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که دو مولفه آگاهی و نهادسازی بیشترین تاثیر را در اجرای توسعه طرح‌های شهری دارد (ماجدی و همکاران،

3- ESCWA

4- Phillips & Pittman

۱۳۹۴). نتایج کار اظهاری و شهریاری در خصوص مشارکت سیاسی زنان نشان می‌دهد کیفیت مشارکت زنان به صورت توده‌ای یا تماشاگرانه است که متغیرهای تحصیلات، مشارکت اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی نقش مثبت و احساس بی‌قدرتی تاثیر منفی دارد (اطه‌ری و شهریاری، ۱۳۹۳).
مجیدی خامنه در مقاله‌ای مشارکت زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار شهری به نقش زنان در حفاظت محیط زیست پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سن، میزان تحصیلات و تعداد فرزندان ارتباط مستقیم با مشارکت و پذیرش رفتارهای زیست محیطی دارد (مجیدی خامنه، ۱۳۸۶).

نظریه بی‌قدرتی

بی‌قدرتی بدین معنی است که فرد احتمال می‌دهد یا انتظار داشته باشد که رفتارش پاداش و یا نتیجه‌ای در پی نداشته باشد (گلایبی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). این عامل سبب می‌شود که فرد رغبت چندانی به مشارکت نداشته باشد و به نوعی ناتوانی در تاثیرگذاری دچار شود. این حالت سبب خواهد شد که فرد از انجام دادن عمل مورد نظر کناره‌گیری کند (اطه‌ری، ۱۳۹۳: ۲۶۸).

نظریه فرصت برابر

ایده‌ی فرصت‌های برابر، چنین عنوان می‌دارد که هر فردی بدون لحاظ کردن سن، طبقه اجتماعی، منطقه بومی یا جنسیت حق آموزش و استفاده از حقوق اجتماعی را دارد. این سیاست می‌تواند ارتباط خاصی با مشارکت زنان داشته باشد. در حالی که ایده فرصت‌های برابر به دنبال دسترسی و امکان مساوی برای تمامی افراد است. نظریه فمینیسم به دنبال بخشیدن قدرت به زنان از طریق دسترسی به آموزش و حقوق اجتماعی است (صالحی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). اکثر نظریات مربوط به نقش زنان در توسعه متأثر از نظریات فمینیستی و خصوصاً برخاسته از یافته‌های بوزروپ است. به زعم او برنامه ریزان به معنای واقعی نابرابری جنسیتی پی نبرده‌اند. مسایل جنسیتی بر اثر فاصله جنسیتی به وجود می‌آید و فاصله جنسیتی حاصل نظام تبعیض‌های جنسی موجود در جامعه است (لانگه، ۱۳۷۲: ۴۵).

کنش جمعی

کنش جمعی را می‌توان کنشی دانست که در آن جمعی (بیش از یک نفر و در اینجا زنان) برای رسیدن به نفع جمعی با هم همکاری می‌کنند. در این تعریف دو عنصر مهم و اساسی وجود دارد که شاکله کنش جمعی هستند: همکاری و خیز جمعی (اصغر پور ماسوله و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۵) که هر کدام از این دو مفاهیم دارای جزئیات فراوانی است که در این قسمت مجال بیان آنها نیست. عوامل موثر بر شکل‌گیری کنش‌های جمعی را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم نمود: دسته اول اجبارهای بیرونی است که خود شامل اجبارهای نظام کنترل مرکزی و اجبارهای غیرمتمرکز که از سوی مشارکت‌کنندگان در کنش جمعی می‌شود، دسته دوم نیازهای دورنی کنشگران که شامل نیازهای ملموس و نیازهای غیر ملموس آنها می‌شود. دسته سوم هنجارهای موید کنش جمعی که از مهم‌ترین آنها هنجار تعهد اجتماعی است و دسته چهارم هویت جمعی کنشگران است (الستر: ۱۹۸۹: ۱۰۱)؟ در سطح محله، کنش جمعی می‌تواند دامنه‌ای از بسیج شهروندان برای بهبود

وضعیت کالبدی و محیطی محله (فاضلاب، نظافت خیابان و غیره) تا بسیج اجتماع برای بازتوزیع قدرت و تغییرات ساختاری وسیع (برای مثال کنترل بیشتر بر فرایند برنامه ریزی، توزیع منابع و خروجی های برنامه ریزی) را شامل شود. همچنین حوزه های مداخله کنش نیز می توانند در فرایند مشورت، الویت بندی ها، تصمیم سازی، اجرا و پیاده سازی و در نهایت ارزیابی طرحها باشد. این مفهوم در حیطه برنامه ریزی شهری کمک زیادی به ساکنان محلات شهری برای مدیریت، استفاده از منابع مشترک، کالاهای عمومی، خدمات و یا حتی خروج از شرایط سخت می کند. اما همواره این مفهوم با آسیب هایی نیز همراه است که به عنوان شرایطی که در آنجا "عقلانیت فردی منجر به بی خردی جمعی شده، تعریف می شود (برد، ۲۰۰۶: ۱۴۵۳)۷. در این مواقع دو مشکل برای توسعه اجتماعات محلی رخ می دهد. مشکل اول عدم انگیزه افرادی (افراد متعلق به همان گروه) است که از کالا و خدمات عمومی استفاده کرده ولی به شکل گیری آنها کمکی نکرده، در این شکل "سواری مجانی" شکل گرفته و در نتیجه باعث ایجاد مشکلات بعدی می شود. مشکل دوم در مدیریت منابع مشترک رخ می دهد. در این شرایط مصارف شخصی استفاده کنندگان، مقدار کل منابع در دسترس را کاهش می دهد و در نبود سیستمی برای کنترل استفاده فردی، هر فرد تمایل به استفاده بیش از حد دارد و در نتیجه منابع مشترک از بین می رود (پوتیته و استورم: ۲۰۰۴). برای حل این مشکلات اولسون پیشنهاد می دهد که سطح برنامه ریزی به پایین ترین سطوح ممکن انتقال یابد زیرا در گروهها و مقیاس کوچک تر هم به لحاظ کمی و هم کیفی نسبت به گروهها و مقیاس بزرگتر سواری مجانی کمتری مشاهده می شود (همان). همچنین به توانایی افراد برای ایجاد توافق نامه ها، نهادها و سیستم های مدیریت توجه کرد که می تواند در طول زمان تکامل یابد و در نهایت از این گونه نتایج "غم انگیز" جلوگیری کند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاکم بر پژوهش توصیفی تحلیلی است که مبتنی بر پیمایش، مطالعات اسنادی، کتابخانه ای و اسنادی می باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه زنان بالای ۱۸ سال به بالای محله نعمت آباد در جنوب شهر تهران است که با توجه به محدودیت های زنان و این تحقیق فقط ۲۹ پرسشنامه تکمیل گشت که در پژوهش همه آنها مورد استفاده قرار گرفت. بر این مبنا روش توزیع نیز تصادفی ساده بوده است. محدوده تحقیق محله نعمت آباد در جنوب شهر تهران منتهی الیه جاده ساوه می باشد که عمده جمعیت آن را ترک های مهاجر از آذربایجان شرقی و همدان تشکیل می دهند. برای بررسی دقیق تر و مقایسه آن با میانگین مشارکت کلی ناحیه به صورت تصادفی ۲۹ پرسشنامه که توسط مردان محله تکمیل گشته بود، انتخاب و این دو با هم مقایسه شد. برای سنجش تفاوتها در بین گروههای قومی محله و تفاوتهای بین محلی، از مدل رگرسیونی برای اندازه گیری کمک زنان در رخساره های منابع مالی و زمانی در فعالیت های اجتماع محور استفاده شده است. باید ذکر کرد که برخی متغیرها همچون مشارکت و بهره گیری از خانه سلامت جزء متغیرهایی است که صرفاً برای زنان کاربرد دارد. بر این اساس این قسمت شامل دو بخش تحلیل توصیفی و رگرسیونی از تفاوت های مردان و زنان در توسعه و کمک به توسعه اجتماعات محلی است. با استفاده از رگرسیون تویبت مقدار کمک افراد در بعد

⁷ -Beard

زمان در توسعه اجتماعات محلی را در سه حوزه اداره و مدیریت محله، رفاه اجتماعی محله و در نهایت مسایل اقتصادی و محیطی محله نشان داده می شود. مدل توبیت به علت وجود درصد بالایی از متغیرهای وابسته زیر صفر که منجر به مشکل داده‌های سانسور شده از سمت چپ استفاده شده و در تمام مدل های رگرسیون توبیت متغیر مستقل شامل ویژگی های سرپرست خانوار و خصوصیات اجتماع محلی است جدول (۱).

بر این اساس فرم کلی مدل توبیت در این پژوهش به صورت رابطه (۱) می باشد

$$y_i^* = x_i \beta + \varepsilon_i$$

رابطه (۱)

در رابطه (۱) متغیرها و پارامترها به صورت زیر تعریف می شوند:

X_i : بردار متغیر های مستقل

β : برداری از پارامترهایی که بایستی تخمین زده شوند

ε_i : جمله اخلاص^۸

* y_i : متغیر پنهان^۹ که برای داده های بزرگتر از صفر قابل مشاهده و برای داده های کمتر یا مساوی صفر سانسور شده است. Y مشاهده شده بصورت رابطه (۲ و ۳) تعریف می شود:

$$y_i = y_i^* \text{ if } y_i^* > 0$$

رابطه (۲)

$$y_i = 0 \text{ if } y_i^* \leq 0$$

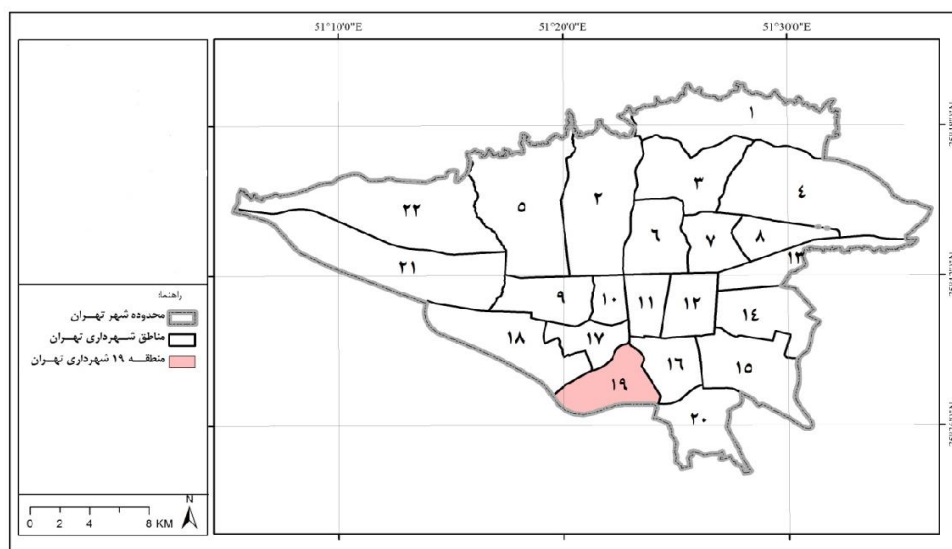
رابطه (۳)

جدول (۱). شاخص های بکار رفته در سه حوزه فعالیت های اجتماعات محلی در محله مورد مطالعه

اداره محله	رفاه و شبکه اجتماعی محله	مسایل اقتصادی و محیطی محله
میزان صرف زمان و پول از طرف شهروندان در جهت همکاری جمعی برای کسب منفعت بیشتر از شهرداری یا دولت (وام نوسازی، سوسید ...)، میزان صرف زمان و پول از طرف شهروندان برای همکاری گروهی در جهت اهداف محله، میزان صرف زمان در فعالیت های محیطی محله، میزان صرف پول در فعالیت های محیطی محله، میزان زمانی که شهروندان با فرزندانشان در مورد مسایل محله صحبت می کنید، میزان صرف زمان برای شرکت در جلسات محلی از جمله شورایی محله، میزان صرف زمان برای جلسات دفتر بهسازی محله، صرف زمان و پول در ارتباط با ارگانهای دولتی راجع به مسایل محله در دو سال گذشته، کمک مالی به پروژها و اقدامات در حال انجام در محله، صرف پول یا زمان در مدیریت محله	میزان صرف زمان و پول به فعالیت های مذهبی محله، میزان صرف زمان و پول به فعالیت های ورزشی محله، میزان صرف زمان و پول در نهادها و موسسات غیردولتی در محله، میزان صرف زمان در خانه سلامت محله، میزان صرف زمان و پول به مسجد محله، میزان صرف زمان برای دیدار با اقوام و آشنایان محلی	میزان صرف زمان و پول در کمک به همسایه های فقیر در محله، میزان صرف زمان و پول در قرض دادن و یا قرض گرفتن از آشنایان به صورت قرض الحسنه، میزان صرف زمان و پول در کمک به افراد محله در مواقع حادثه، میزان صرف زمان و پول در کمک به تهیه جهیزیه نوجروسان، میزان صرف زمان و پول برای روابط کاری و اقتصادی با افراد محله، میزان سپرده گذاری یا قرض گرفتن از صندوق قرض الحسنه محله، میزان صرف زمان و پول برای اشتغال زایی و فرصت های اقتصادی زنان، میزان صرف زمان و پول در تشکیل صنف محلی، میزان صرف زمان و پول برای ارتقاء اقتصادی محله

معرفی اجمالی محله نعمت آباد

شهر تهران در حال حاضر دارای ۲۲ منطقه شهرداری است که محدوده مورد مطالعه در منطقه ۱۹ واقع در جنوب شهر تهران قرار دارد. منطقه ۱۹ از شمال به منطقه ۱۷، از شرق با منطقه ۱۶ و از غرب با منطقه ۱۸ همجوار است. محورهای زمزم و آیت‌ا. سعیدی مرز مشترک بین منطقه ۱۹ با مناطق همجوار شمالی و غربی را تشکیل می‌دهد. از سمت شرق خیابان بهمنیار و بخش شمالی بزرگراه تندگویان حفاصل بین منطقه ۱۹ و منطقه ۱۶ است. منطقه ۱۹ از سمت جنوب به بزرگراه آزادگان براساس وظایف خدمات رسانی شهرداری، برای منطقه ۱۹ تهران پنج ناحیه کلان خدمات شهری تعیین شده است که دو ناحیه آن خارج از مرز قانونی شهر و در حریم می‌باشند. این نواحی عبارتند از: ناحیه ۱: دربرگیرنده محله خانی آباد ناحیه ۲: شامل دو محله شریعتی و عبدل آباد ناحیه ۳: شامل دو محله نعمت آباد و دولت خواه ناحیه ۴: واقع در حریم جنوبی منطقه ناحیه ۵: واقع در حریم جنوبی منطقه و حریم جنوب شهر تهران محدود می‌گردد. محدوده مورد مطالعه در محله نعمت آباد واقع در ناحیه سه شهرداری قرار گرفته است. این محله از شمال توسط بزرگراه آیت‌ا. سعیدی از شرق توسط خیابان نور و از غرب به وسیله خیابان پیروزی محدود شده است.



شکل (۱). محدوده جغرافیایی منطقه نوزده در بین مناطق ۲۲ گانه تهران

نتایج

همچنان که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، تعداد زنانی که در فعالیتهای توسعه اجتماع محور محله نعمت آباد مشارکت داشته‌اند، در مجموع بسیار کمتر از تعداد مردان است. این مقدار در حدود نصف مشارکت مردان می‌باشد. این مشارکت به لحاظ مالی به کمترین میزان خود در حدود ۱۰ درصد مشارکت مردان رسیده است. همچنین سطح سواد زنان این محله نشان می‌دهد که سواد اکثر آنها در سطح پایینی می‌باشد. در این بین فقط ۱۰ درصد آنها سطح تحصیلات دانشگاهی و بالاتر از دیپلم را دارا هستند. تنها از این بعد یعنی داشتن

سطح تحصیلات دانشگاهی سطحی بالاتر از مردان محله خود دارند. به لحاظ سطح درآمدی و وضعیت اقتصادی نیز زنان سطح درآمدی و اقتصادی پایین تری را نسبت به مردان برای خود و خانواده خود متصور بوده اند. در حدود ۶۰ درصد اعلام کرده اند که وضعیت مالی آنها و خانواده هایشان در سطح متوسط اقتصادی است و در حدود یک سوم نیز وضعیت مالی خود را ضعیف متصور شده اند. این در حالی است که فقط ۱۰ درصد زنان به لحاظ اقتصادی برای خود و خانواده خود احساس امنیت اقتصادی داشته و وضعیت اقتصادی مناسبی را برای خودشان بیان داشته اند. این میزان در قیاس با مردان که ۲۰ درصد می باشد، در سطح پایین تری قرار دارد. میزان اشتغال نیز در بین زنان نسبت به مردان نیز بسیار پایین می باشد. بیشتر آنها شغل خانه داری را برای خود اظهار داشته اند. این مساله می تواند به حاشیه کشیدن آنها و حضور کم رنگ در فعالیت های اجتماعی کمک شایانی بنماید. همچنین تفاوت معناداری در متغیرهای شبکه اجتماعی (مهاجرت در دو سال اخیر، تعداد آشنایان و فامیل در محله و تعلق به اکثریت قومی محله) وجود ندارد، زیرا که همانطور که قبلاً نیز بیان شد اکثر جمعیت محله را آذری زبانان تشکیل می دهند. در متغیرهای کنترلی که شامل سن پاسخ دهنده و بعد خانوار می باشد، اظهار نظرهای دو گروه نشان می دهد که به لحاظ سنی، میانگین سن زنان پاسخ دهنده کمتر از مردان است و همچنین آنها دارای بعد خانوار کمتری هستند.

جدول (۲). وضعیت اجتماعی اقتصادی، شبکه ها در اجتماع محلی به همراه متغیرهای کنترلی در بین زنان و مردان

مردان n=29	زنان n=29	وضعیت اجتماعی - اقتصادی	مردان n=29	زنان n=29	میانگین مشارکت
۱۹/۸۷	۳۰/۳۱	سطح مالی ضعیف	۱/۵۷	۰/۸۵	ساعات مشارکت
۶۰/۴۹	۵۹/۷۴	سطح مالی متوسط	۰/۴۴	۰/۰۵	میزان کمک مالی به توسعه اجتماع محلی
۱۹/۶۴	۹/۹۵	سطح مالی خوب			ویژگی های فردی
۰/۸۶	۰/۴۱	مشغول به کار(در یک ماه گذشته)	۰/۸۹	۰/۳۸	سرپرست خانوار
		شبکه اجتماعی	۰	۰/۶۲	همسر و یا شوهر سرپرست خانوار
۱۴/۱۸	۱۰/۱۵	مهاجرت در دو سال اخیر	۰/۷۶	۰/۶۲	دارای همسر
۱/۸	۱/۹	تعداد خانوارها از آشنایان، اقوام در محله			وضعیت اجتماعی - اقتصادی
۳/۰۹	۳/۱۱	تعلق به اکثریت قومی محله	۸/۱۴	۱۰/۴۵	بدون سواد
		متغیرهای کنترلی	۵۶/۸۸	۵۴/۳۶	سطح ابتدایی
۵۰/۴۸	۳۹/۵۲	سن پاسخ دهنده	۱۳/۲۵	۱۴/۲۱	سطح راهنمایی
۴/۸	۴/۵	بعد خانوار	۱۵/۴۹	۱۱/۶۷	سطح دیپلم
-	-	-	۶/۲۴	۹/۳۱	سطح دانشگاهی

منبع: محاسبات نگارنده (۱۳۹۳)

میزان مشارکت نشان می دهد که در شاخص هایی که مرتبط با اداره محله می باشد مشارکت و در نتیجه میزان تاثیر گذاری زنان بر اداره محله از مردان در تمامی شاخص ها کمتر است. این مشارکت کمتر هم در بعد مالی و هم در بعد زمانی مشاهده می شود. میزان مشارکت در برخی شاخص ها بسیار کمتر از آنچه تصور می شد؛ صورت می گیرد. به عنوان مثال شرکت در جلسات محلی و یا پیگیری مسائل محله در سطوح بالاتر مدیریتی و

اداری بسیار کم است. در این بین تنها شاخصی که نسبت به مردان وضعیت بهتری دارد، نسبت صحبت کردن زنان در مورد مسائل محله با خود فرزندان است. در جدول (۳) می‌توان تمامی تفاوت‌ها را به تفکیک مشاهده نمود.

جدول (۳). میزان و درصد مشارکت زنان در قیاس با فعالیت‌های اجتماع محور در محله نعمت اباد

تعداد و درصد مشارکت مردان		تعداد و درصد مشارکت زنان		نوع فعالیت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	اداره محله
۱۷/۲۴	۵	۱۰/۳۴	۳	مشارکت جهت همکاری جمعی برای کسب منفعت بیشتر از شهرداری یا دولت به لحاظ زمانی
۱۳/۷۹	۴	۶/۸۹	۲	مشارکت جهت همکاری جمعی برای کسب منفعت بیشتر از شهرداری یا دولت به لحاظ مالی
۲۴/۱۳	۷	۶/۸۹	۲	مشارکت زمانی در همکاری‌های گروهی در جهت اهداف محله
۲۰/۶۸	۶	۱۰/۳۴	۳	مشارکت زمانی فعالیت‌های محیطی محله
۱۰/۳۴	۳	۱۳/۷۹	۴	صحبت با فرزندان در مورد مسایل محله
۱۷/۲۴	۵	۳/۴۴	۱	شرکت در جلسات محلی
۲۷/۷۸	۸	۳/۴۴	۱	صرف زمان برای جلسات دفتر بهسازی محله
۲۷/۷۸	۸	۳/۴۴	۱	صرف زمان در ارتباط با ارگانهای دولتی راجع به مسایل محله در دو سال گذشته
۲۰/۶۸	۶	۰	۰	صرف پول در ارتباط با ارگانهای دولتی راجع به مسایل محله در دو سال گذشته
۲۰/۶۸	۶	۰	۰	کمک مالی به پروژها و اقدامات در حال انجام در محله
رفاه و شبکه اجتماعی محله				
۶۵/۸۹	۲۶	۹۶/۵۵	۲۸	صرف زمان در فعالیت‌های مذهبی محله
۴۴/۸۲	۱۳	۶۵/۵۱	۱۹	صرف پول در فعالیت‌های مذهبی محله
۳۴/۴۸	۱۰	۲۴/۱۳	۷	صرف زمان به فعالیت‌های ورزشی محله
۳۱/۰۳	۹	۶/۸۹	۲	صرف پول در فعالیت‌های ورزشی محله
۱۷/۲۴	۵	۳/۴۴	۱	صرف زمان در نهادها و موسسات غیردولتی محله
۱۰/۳۴	۳	۰	۰	صرف پول در نهادها و موسسات غیردولتی محله
-	-	۷۲/۴۱	۲۱	صرف زمان در خانه سلامت محله
۸۲/۷۵	۲۴	۹۶/۵۵	۲۸	صرف زمان برای دیدار با اقوام و آشنایان محلی
مسایل اقتصادی و محیطی محله				
۱۷/۲۴	۵	۲۷/۷۸	۸	صرف زمان در کمک به همسایه‌های فقیر محله
۱۰/۳۴	۳	۱۷/۲۴	۵	صرف پول در کمک به همسایه‌های فقیر در محله
۵۵/۱۷	۱۶	۴۴/۸۲	۱۳	صرف پول در قرض دادن و یا قرض گرفتن از آشنایان به صورت قرض الحسنه
۳۱/۰۳	۹	۲۰/۶۸	۶	صرف زمان در کمک به افراد محله در مواقع حادثه
۵۱/۷۲	۱۵	۶۲/۰۶	۱۸	صرف پول در کمک به افراد محله در مواقع حادثه
۶/۸۹	۲	۶/۸۹	۲	صرف زمان در کمک به تهیه تجهیزات نوعروسان
۵۵/۱۷	۱۶	۱۳/۷۹	۴	صرف زمان برای روابط کاری و اقتصادی با افراد محله
۳۴/۴۸	۱۰	۱۳/۷۹	۴	صرف پول برای روابط کاری و اقتصادی با افراد محله
۶۵/۵۱	۱۹	۲۷/۴۸	۱۴	سپرده گذاری یا قرض گرفتن از صندوق قرض الحسنه محله
۱۳/۷۹	۴	۰	۰	صرف زمان در تشکیل صنف محلی
۶/۸۹	۲	۰	۰	صرف پول در تشکیل صنف محلی

میزان مشارکت زنان در شاخص های رفاه و شبکه اجتماعی محله به مراتب کمی بهتر است. در دو شاخص صرف زمان و منابع مالی برای فعالیت های مذهبی و صرف زمان برای دیدار با اقوام و آشنایان و شرکت در فعالیت های ورزشی در سطح محله و موسسات غیر دولتی و سازمان های مردم نهاد مشارکت زنان به شدت نزول داشته است. باید متذکر شد که شرکت در خانه سلامت محله صرفاً برای زنان کاربرد داشته و قابل قیاس با مردان نیست. اما مشارکت در مسائل اقتصادی و محیطی محله در بین شاخص های مختلف تفاوت وجود دارد. میزان مشارکت زنان در این حوزه بیشتر در قسمت هایی است که بیشتر روابط و شبکه های غیر رسمی وجود دارد. به عنوان مثال کمک به همسایه های فقیر در بین زنان بیشتر از مردان وجود دارد و این در حالی است که برخی شبکه های رسمی هم چون تشکیل صنف و یا روابط کاری و اقتصادی که حالت رسمی دارد در بین مردان بیشتر است. اما نکته که وجود دارد ضعف شدید زنان این محله در تشکیل تشکل های رسمی است که جای تامل دارد، زیرا که آنها کمتر به فکر اشتغال و استقلال مالی خود بوده اند و این در ایجاد شبکه ها و انجمن های رسمی اقتصادی آنها تاثیر گذار بوده است. در جدول (۴) نیز می توان میزان مشارکت دو گروه را در فعالیت های توسعه اجتماع محور در مسائل اقتصادی و محیطی مشاهده نمود.

کمک زمانی زنان به توسعه اجتماع محلی

نتایج حاصل از به کار بستن مدل توبیت نشان می دهد که زنانی که سرپرست خانوار هستند صرف زمان برای امور محله نسبت به سرپرستان مرد اجتماع مشارکت بسیار پایینی دارند. این مسأله با توجه به محدودیت هایی که برای این طیف از اقشار زنان در سطح جامعه قابل قبول است و این محدودیت ها این قشر را به یکی از آسیب پذیرترین اقشار جامعه تبدیل نموده است. در مجموع رابطه معناداری منفی بین مشارکت زنان سرپرست خانوار با میزان صرف هزینه در اجتماع محلی وجود دارد. اما میزان مشارکت زنانی که دارای شوهر هستند در امور محله رابطه مثبتی با صرف زمان دارد. یعنی زنان ازدواج نموده بیشتر در امور محله مشارکت دارند، پس مدل نشان می دهد ازدواج کردن در حضور بیشتر زنان تاثیر مثبت دارد.

همچنین مدل نشان می دهد که رابطه منفی از مشارکت زنان و صرف کردن زمان در امور محله و میزان سواد وجود دارد. به این تفسیر که میزان مشارکت زنان بی سواد در کمترین سطح خود است. به نظر می رسد این زنان به علت عدم داشتن سواد، اعتماد به نفس شرکت در جلسات گروهی و امور عمومی را ندارند. از سوی دیگر رابطه خاصی بین سطح سواد در مقاطع ابتدایی و راهنمایی و میزان صرف زمان از سوی زنان نشان داده شده است. اثرات متقابل نشان می دهد که زنانی با سطح تحصیلات دیپلم بیشترین کمک را به فعالیتهای اجتماع محور محله خود داشته اند. این درست همان چیزی است که در مورد مردان نیز صدق می کند. بر خلاف آنچه تصور می شد که زنان با تحصیلات دانشگاهی میزان صرف زمان بیشتری در امور محله داشته باشند، این عده زمان کمتری را صرف می نمایند. بررسی مولفه های حوزه مسائل اجتماعی-اقتصادی نشان میدهد که در بین سه گروه اقتصادی تعریف شده کسانی که برای خود وضعیت اقتصادی متوسطی را متصور شده اند، مشارکت زمانی بیشتری را نسبت به کم درآمدها و پر درآمد ها در کمک و توسعه اجتماع محلی داشته اند. اثرات متقابل نشان می دهد که وضعیت اقتصادی زنان تاثیری در میزان فعالیت آنها نداشته است و فقط در مورد کسانی که برای خود وضعیت اقتصادی ضعیفی متصور شده اند دارای کمترین مشارکت می

باشند. سپس اثرات متقابل نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی ضعیف تاثیر منفی بر مشارکت زنان دارد. مردان شاغل تمایل بیشتری در صرف کردن وقت برای فعالیت های اجتماع محور دارند و این مسأله درست برعکس زنان است. زیرا زنان شاغل در محله مورد مطالعه تمایل بسیار کمی را برای صرف وقت و زمان برای این گونه فعالیت ها دارند. پس اثرات متقابل نشان می‌دهد که شاغل بودن زنان تا حدی از مشارکت آنها به لحاظ زمانی می‌کاهد. البته باید اذعان نمود که وظیفه خانه داری که در کنار شاغل بودن زنان ایرانی به آن می‌پردازد، معمولاً وقت کمی را برای آنها باقی می‌گذارد. همانند مردان نیز با افزایش سن مشارکت زنان نیز افزایش پیدا می‌کند، پس در نتیجه سن نیز می‌تواند عامل مهمی در جذب و مشارکت زنان باشد.

کمک مالی زنان به توسعه اجتماعات محلی

بعد دیگری که در کمک و توسعه به اجتماعات محلی در این قسمت دیده شده است، کمک مالی افراد و زنان به این مقوله است. نتایج نشان می‌دهد که بر خلاف مردان سرپرست خانوار که کمک مالی به فعالیت های اجتماع محور می‌کنند این مسأله در مورد زنان سرپرست خانوار صادق نیست. این رابطه نیز در مورد زنان همسر دار نیز صحت دارد یعنی آنها هم کمک مالی چندانی به توسعه این فعالیت ها ندارند. این مسأله که مردان ازدواج کرده توانایی و پرداخت بیشتری دارند نیز در مورد زنان خانه دار نیز صدق نمی‌کند. پس ازدواج نمی‌تواند عاملی باشد در کمک مالی بیشتر زنان به توسعه اجتماعات محلی، همچنین شوهر از دست دادن، طلاق گرفتن و جز اینها می‌تواند مانعی برای مشارکت بیشتر زنان در فعالیت های اجتماع در محله مورد مطالعه باشد. همانند مشارکت زمانی نیز سطح سواد رابطه منفی با مشارکت مالی دارد بدین گونه که افراد با سطح سواد پایین و بی سواد، میزان منابع مالی کمتری را در اختیار فعالیت اجتماع محور می‌دهند. این رخداد در مورد زنان بی سواد نیز صدق می‌کند. نتایج اثرات متقابل نشان می‌دهد که بی سواد یکی از عوامل و موانع بزرگ زمان در مشارکت مالی در امور محلی است. همچنین مردانی که سطح تحصیلات دانشگاهی دارند مشارکت بیشتری در امور محله دارند ولی بر عکس زنان با سطح تحصیلات دانشگاهی نتوانسته به عنوان عنصری شاخص در مشارکت مالی بیشتر زنان نقش مثبتی را ایفا نمایند.

جدول (۴). پیش بینی مدل توبیت از مقدار کمک در فعالیت های اجتماع محور بر حسب زمان و هزینه

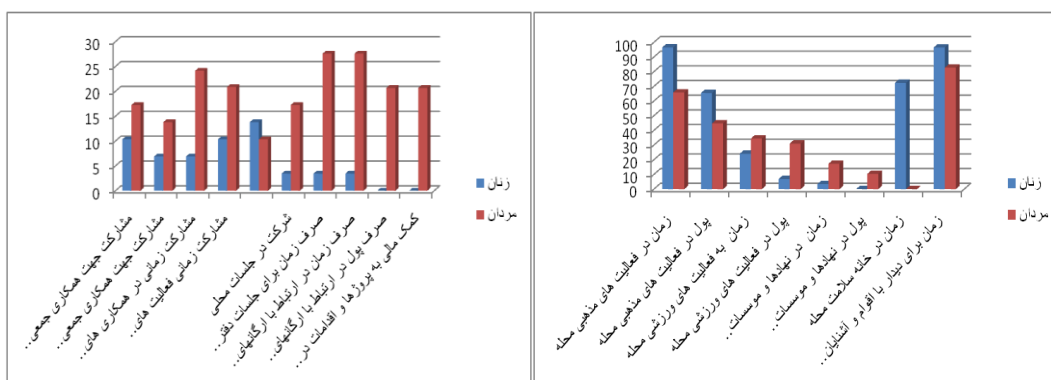
هزینه			زمان			متغیرهای مستقل
p	SE	β	P	SE	β	
۰/۰۰۳	۰/۲۲۴	۰/۳۹۷	۰/۰۰۴	۰/۱۲۵	۰/۵۴۹	سرپرست خانوار
۰/۰۰۲	۰/۱۶۱	۰/۳۹۷	۰/۰۰۲	۰/۱۵۱	۰/۵۵۹	دارای همسر
						متغیرهای اقتصادی اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۱۳	-۰/۸۲۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴۳	-۰/۹۵۱	بی سواد
۰/۰۶۱	-۰/۱۵۷	-۰/۲۳۵	۰/۰۴۷	۰/۱۵۱	-۰/۱۰۵	تحصیلات ابتدایی
۰/۰۵۶	۰/۱۲۰	۰/۱۶۰	۰/۰۷۲	۰/۱۶۷	۰/۲۲۰	تحصیلات راهنمایی
۰/۰۴۶	۰/۱۶۷	۰/۳۲۸	۰/۰۰۱	۰/۲۴۹	۰/۴۱۰	دیپلم
۰/۰۰۱	۰/۲۴۹	۰/۵۷۳	۰/۰۳۳	۰/۱۴۸	۰/۱۱۴	تحصیلات دانشگاهی
۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	-۰/۱۱۲	۰/۱۱۲	۰/۱۶۵	-۰/۲۴۸	وضعیت نامناسب اقتصادی

۹۹

۰/۰۰۷	۰/۱۶۷	۰/۲۲۶	۰/۰۰۳	۰/۱۳۵	۰/۱۹۱	وضعیت متوسط اقتصادی
۰/۰۰۱	۰/۱۳۰	۰/۱۶۵	۰/۰۱۵	۰/۶۸	۰/۲۱۴	وضعیت مناسب اقتصادی
۰/۰۰۱	۰/۳۱۲	۱/۲۹	۰/۰۰۰	۰/۱۰۸	۱/۳۱	شاغل
						شبکه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۱۳۰	-۳۵۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۵	-۰/۷۴۰	مهاجرت در دو سال اخیر
۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۱۳۶	تعداد خانوارها از آشنایان، اقوام در محله
۰/۰۰۱	۰/۱۷۲	۰/۱۱۰	۰/۰۰۲	۰/۱۲۹	۰/۸۵۰	تعلق به اکثریت قومی محله
						متغیرهای کنترلی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	سن
۰/۰۰۹	۰/۱۶۲	۰/۲۱۰	۰/۰۰۸	۰/۱۶۸	۰/۰۹۵	بعد خانوار
						اثرات متقابل
۰/۰۰۷	۰/۱۴۵	۰/۴۰۳	۰/۰۰۴	۰/۱۹۰	-۰/۵۱۰	زنان*سرپرست خانوار
-	-	-	۰/۰۰۱	۰/۲۲۰	۰/۹۹۴	زنان*دارای همسر
۰/۰۰۱	۰/۴۲۸	-۰/۹۶۵	۰/۰۰۰	۰/۳۲۶	-۱/۱۱۲	زنان*بیسواد
۰/۰۱۱	۰/۲۲۶	۰/۲۳۸	۰/۰۰۹	۰/۱۲۹	۰/۱۵۱	زنان*ابتدایی
۰/۰۰۷	۰/۰۴۵	۰/۰۸۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	زنان*راهنمایی
۰/۰۱۵	۰/۱۱۴	۰/۱۸۵	۰/۰۰۴	۰/۱۳۰	۰/۱۱۵	زنان*دیپلم
۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۱۵	۰/۰۰۶	۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	زنان*دانشگاهی
۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۵	زنان* وضعیت نامناسب اقتصادی
۰/۰۱۵	۰/۱۷۶	۰/۲۴۵	۰/۰۱۱	۰/۱۴۲	۰/۱۹۲	زنان* وضعیت متوسط اقتصادی
۰/۰۰۸	۰/۱۰۱	۰/۱۳۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۶	۰/۳۶۸	زنان* وضعیت مناسب اقتصادی
۰/۰۰۲	۰/۳۰۱	۰/۵۳۲	۰/۰۰۰	۰/۱۶۵	-۱/۲۴۸	زنان*شاغل
۰/۰۰۳	۰/۰۲۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۷۴	زنان*سن
۰/۰۱۱	-۲/۸۸۶	-۱۰/۲۵۹	۰/۰۱۶	۴/۱۴۹	-۱۴/۷۵۸	مقدار ثابت
-	-	-۱۲/۳۵۸	-	-	-۱۶/۴۵۸	لگاریتم شبه درست نمایی
		۲۹			۲۹	حجم نمونه

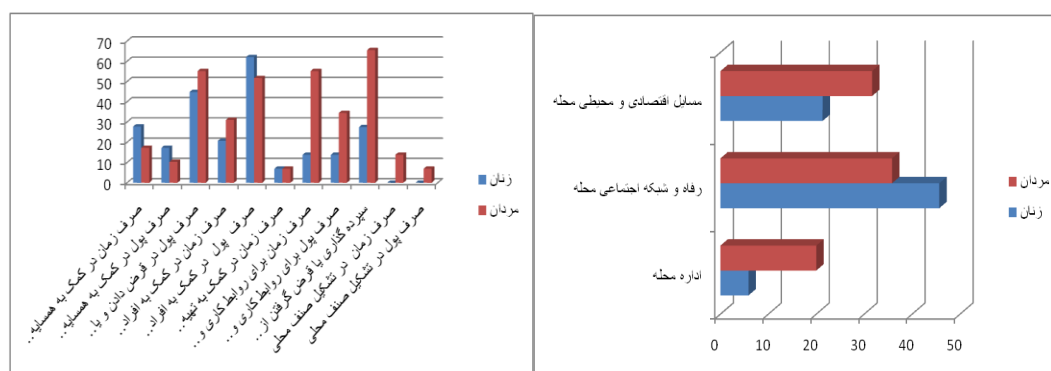
در میان مردان وضع اقتصادی نامناسب از مشارکت مالی آنها در فعالیت های اجتماعی محور کاسته است و بر عکس افراد با بنیه مالی قوی تر توانسته اند مشارکت مالی بیشتری را در فعالیت های اجتماع محور داشته باشند. پس رابطه مستقیمی بین سطح مالی مردان و مشارکت مالی آنها دیده می شود. اما اثرات متقابل نشان میدهد که وضعیت اقتصادی هیچ گونه تاثیری در میزان مشارکت زنان در فعالیت های اجتماع محور نداشته است. اما شاغل بودن بیشترین تاثیر را در میان متغیرها بر مشارکت مردان داشته است. این مسأله در کمک مالی با مقیاس درجه ضعیف تری نیز صادق است، زیرا که زنان شاغل منابع مالی بیشتری را در امور محلی هزینه کرده اند. پس می توان نتیجه گرفت که ایجاد شغل در اجتماعات محلی به ویژه در مناطق فقیر نشین می تواند در مشارکت بیشتر هم مردان و هم زنان تاثیر مثبتی بگذارد. مسأله سن و مشارکت بحث بعدی است که بدان پرداخته می شود. در این مسأله هم برای مردان و زنان با افزایش سن میزان مشارکت بیشتر می شود.

البته این برای اجتماعات محلی می‌تواند نوعی آسیب نیز باشد زیرا جذب جوانان و مردان جوان غافل مانده و از سوی دیگر برای دختران جوان نیز راههای مشارکت تقریباً بسته می‌شود. در مجموع مشارکت زنان در محله نعمت آباد همانند بسیاری از محلات دیگر کشور به صورت حاشیه ای است. یکی از بهترین راهها برای مشارکت این قشر به نظر می‌رسد توسعه فعالیتهای اجتماع محوری است که از طریق آن می‌توانند زنان دانش، پول و زمان خود را به کار بندند. مسأله ای که بسیار پررنگ در این محله عدم مشارکت گروه به حاشیه رانده زنان سرپرست خانوار است که به نظر می‌رسد آنها هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ سیاسی (عدم مشارکت و بالطبع توانمند و مقتدر) در حاشیه قرار گرفته اند. از سوی دیگر شاخص دیگری که می‌تواند بسیار تاثیر گذار در مشارکت زنان داشته باشد، سواد است اشکال (۱ و ۲ و ۳ و ۴).



شکل (۲). میزان تفاوت‌های مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های اداره محله

شکل (۱). میزان تفاوت‌های مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های رفاه و شبکه اجتماعی محله



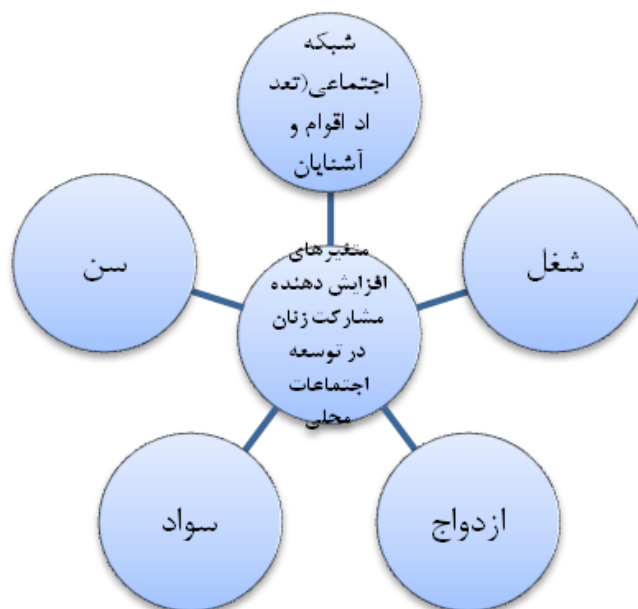
شکل (۴). میزان تفاوت‌های مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی و محیطی محله

شکل (۳). میزان تفاوت‌های مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های سه گانه توسعه اجتماعات محلی

جدول (۵). عوامل موثر بر تقویت یا کند شدن روند مشارکت در بین زنان در محله مورد مطالعه

متغیرها						نوع مشارکت
سن (تاثیر مثبت)	شاغل (تاثیر مثبت)	وضعیت نامناسب اقتصادی (تاثیر منفی)	بی سواد (تاثیر منفی)	طلاق، فوت همسر (تاثیر منفی)	ازدواج (تاثیر مثبت)	مشارکت زمانی
سن (تاثیر مثبت)	شاغل (تاثیر مثبت)	-	بی سواد (تاثیر منفی)	-	-	مشارکت مالی

همان گونه که مشاهده شد زنان کم سواد و بی سواد کمترین مشارکت را در امور توسعه دارند. اگرچه این مسأله نیز برای مردان مصداق داشت، ولی تاثیرات منفی آن برای زنان بیشتر بود. شاخص دیگری که تاثیر زیادی بر مشارکت زنان دارد؛ شاغل بودن است. گرچه زنان شاغل به لحاظ زمانی کمتر وقت و زمان داشته اند، ولی شاغل بودن فاکتور مهمی در مشارکت آنها در حوزه مسائل محله و حضور در اجتماع و آشنا شدن با مسائل محیطی و محلی خود دارند. همچنین نتایج نشان می دهد که وجود شبکه اجتماعی (وجود اقوام و آشنایان و مهاجرت وغیره) در مشارکت زنان نقش بسیار مهمی دارد، به طوریکه مشارکت آنها را به طرز چشم گیری افزایش می دهد. در مجموع می توان گفت که کمک و مشارکت زنان در حوزه اجتماعات محلی در حوزه زمان بسیار بیشتر از بعد مالی و پولی می باشد که عدم استقلال مالی زنان شاید مهمترین دلیل این کمبود مشارکت است (جدول (۵) و شکل (۵)).



شکل (۵). عوامل موثر بر گسترش فعالیت های توسعه اجتماعات محلی زنان در محله نعمت آباد

نتیجه‌گیری

برنامه‌های توسعه اجتماعات محلی امروزه بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت مشارکتی و شهروند محور در جوامع نوین است. با این شیوه می‌توان از شهروندان و به ویژه زنان خواست که دانش، زمان و منابع مالی‌شان را در خدمت فعالیت‌های اجتماع محور قرار دهند. حداقل مزیتی را که از این رهیافت در کنار استفاده از امکانات محله توسط خود زنان می‌توان برای آنها متصور شد این است که زمینه توانمند سازی و مقتدرسازی آنها در جامعه فراهم می‌شود. بر این اساس هدف این مقاله شناسایی عوامل پیش‌ران و بازدارنده مشارکت زنان در توسعه اجتماعات محلی در ایران بوده است. در این راستا تفاوت بین زنان و مردان را در کمک به توسعه اجتماعات محلی در محله نعمت‌آباد تهران در سه حوزه مدیریت محله، رفاه اجتماعی محله و مسایل اقتصادی و محیطی مورد بررسی قرار گرفته است که نشان دهنده ضعف شدید مشارکت زنان در مدیریت و فعالیت‌های محله است. این مقدار در حدود نصف مشارکت مردان می‌باشد. این مشارکت به لحاظ مالی به کمترین میزان خود در حدود ۱۰ درصد مشارکت مردان است. در سه حوزه مطرح شده برای مشارکت زنان، مشارکت و در نتیجه میزان تأثیر گذاری زنان در اداره محله نسبت به حوزه دیگر ضعیف‌تر است. این مشارکت کمتر هم در رخساره مالی و هم در رخساره زمانی مشاهده می‌شود. میزان مشارکت زنان در شاخص‌های رفاه و شبکه اجتماعی محله به مراتب کمی بهتر است. در بعد زمانی شاغل بودن، سن و ازدواج مهمترین نیروهای پیش‌ران در امر مشارکت و در سوی دیگر از بی‌سوادی، طلاق و وضعیت نامطلوب اقتصادی می‌توان به عنوان متغیرهای بازدارنده نام برد. همچنین در بعد مشارکت مالی شاغل بودن و سواد به عنوان نیروهای پیش‌ران بی‌سوادی به عنوان نیروی بازدارنده می‌توان ذکر کرد. قیاس نتایج این تحقیق با سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همانند پژوهش‌های ماجدی، مجیدی و اطهری تحصیلات به طور مستقیم در میزان مشارکت نقش بسزایی دارد. پیشنهاد می‌شود برای رفع کمبود حضور زنان در حوزه عمومی و عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از راهبرد توسعه اجتماعات محلی استفاده کرد، زیرا اول در حوزه زندگی خود زنان است، نتایج آن ملموس بوده که در عین حال آنها را به عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نزدیک و توانمند و مقتدر می‌سازد. بر این اساس مکانیسم و نحوه حرکت نیروهای پیش‌ران در مدیریت محله‌های شهری ایران، شناسایی بسترهای مشارکت زنان در امور محله، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مدیریت شهری ایران از بخش‌هایی است که پژوهشگران بعدی می‌توانند بر آنها تمرکز نمایند.

منابع

- اطهری، حسین؛ شهریاری ابوالقاسم. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی شهر بوشهر، مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۲): ۲۶۸-۲۸۶.
- اسکندری ثانی، محمد. (۱۳۹۳). فقر در کلانشهر تهران، وضعیت، چالش‌ها و رهیافت‌های مقابله با آن با تأکید بر توسعه اجتماعات محلی مورد شناسی نعمت‌آباد تهران، رساله دکتری به راهنمایی دکتر سجادی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

اصغرپور ماسوله، احمدرضا و همکاران. (۱۳۸۹). *تحلیل کنش های جمعی و تطبیق آن با بافت فرسوده منطقه ثامن شهر مشهد*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی فرودسی مشهد.

سجادی، ژیلا و اسکندری ثانی، محمد. (۱۳۹۲)، *برنامه ریزی اجتماع محلی محور، رویکردی پایدار در ارتقای امنیت اقتصادی مناطق کم درآمد شهری ایران*، همایش ملی خراسان جنوبی نظم، امنیت، دانشگاه بیرجند.

صالحی، احمد (۱۳۸۱). *بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی*، کتاب مجموعه مقالات بررسی گسترش عالی در ایران با رجوع به مشارکت زنان، تهران، نشر دفتر برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

گلابی، فاطمه؛ حاجیلو، فتانه. (۱۳۹۱). *بررسی جامعه شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان؛ مورد مطالعه آذربایجان شرقی*، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. (۱): ۱۷۳-۲۰۰.

لانگه، سارا (۱۳۷۲). *معیارهای برای تواناسازی زنان در نقش زنان در توسعه*، تهران، نشر روشنگران.

ماجدی، حمید و همکاران. (۱۳۹۴). *شناسایی شاخصهای مؤثر بر مشارکت زنان در طرحهای توسعه شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، (۳۲): ۱۲-۳.

مجیدی خامنه، بتول (۱۳۸۵). *مشارکت زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار شهری محله های یوسف آباد*، نظام آباد شمالی و حشمتیه تهران، مجله صفا.

Beard, V.A., And A. Dasgupta. 2006. **Collective Action And Community-Driven Development In Rural And Urban Indonesia**. *Urban Studies*, 43(9):1-17

Beard, V. (2007). **Household contributions to community development in Indonesia**. *World Development*, 35 (4): 607-25.

Economic and Social Commission for Western Asia "ESCWA" (2004). **Community-Driven As an Integrated Social Policy at the Local Level**, United Nation. www.un.org.

Elster, J. (1989): **Social Norms And Economic- Theory**. *Journal of Economic Perspectives*, 3:99-117

Kollock, P. (1998). **Social dilemmas: The anatomy of cooperation**. *Annual Review of Sociology*, 24: 183-214

Ostrom, E. (2005), **Understanding institutional diversity**. Princeton: Princeton University Press.

Poteete, A. And Ostrom, E. (2004) **Heterogeneity, Group Size and Collective Action: The Role of Institutions in Forest Management, Development and Change**, 35(3), 432- 440.

Philips, R and Pittman R. (2009): **An Introduction to Community Development**, a Framework for Community and Economic Development, Rutledge Publications.

Rakodi, C., and T. Lloyd-Jones, eds. 2002. **Urban livelihoods: A people centered approach to reducing poverty**. London: Earth scans Publications.